

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۲ دسمبر ۲۰۱۹

## اعلام انحلال "جمعیت اسلامی" احترام به خون "برهان الدین ربانی" است!

یکشنبه- ۱۰ قوس ۱۳۹۸ - کابل: در یادداشت امروز مکث کوتاهی داریم به ارتباط زندگی ننگین "جمعیت اسلامی" در مقطع کنونی.

۱- این را می دانیم که "جمعیت اسلامی افغانستان" یکی از تنظیم های اخوانی بود که در جریان بیش از ۴ دهه اخیر در اکثر تعاملات و رویداد های خونین و جنایتبار در کشور دخیل است. این تنظیم که در پاکستان و به اراده سازمان استخبارات نظامی پاکستان "آی. اس. آی." به غرض هسته گذاری افتراق قومی در درون اخوانیت و اسلام سیاسی در افغانستان به وجود آمد و در جریان مبارزه مردم ما علیه اشغالگران روسی و نوکران شان، به ارزش صد ها میلیون دالر از جانب امپریالیسم و ارتجاع هار مذهبی منطقه سلاح و سایر امکانات به دست آورد، بزرگترین امتیاز آن نسبت به سایر رقباء در تمام آن سالها که می توان گفت الی آخرین روز های حیات شخص "برهان الدین ربانی" ادامه یافت، وحدت و یک پارچگی تنظیمی آن بود.

این نهاد با آن که هریک از قومندانهایش برای خود دربار خاص خود را داشت و هیچ گاهی در مناسبات داخلی دارای یک خط واحد وحدت طلبانه نبود، با آنها تمام جناح ها و واحد ها از شخص "برهان الدین ربانی" به درجات مختلفی اطاعت می نمودند.

۲- "برهان الدین ربانی" که می توان وی را یکی از مفتن ترین اعضای جنبش اسلام سیاسی در افغانستان دانست، در تمام آن سالها به جای آن که افراد تنظیمش را بر روی یک محور و یک خط فکری -سالم و یا ناسالم- وحدت بخشد، یکی را علیه دیگری استعمال نموده، به افراد سرشناس تنظیمش چنان تلقین می نمود که بدون شخص خودش در تمام تنظیم کس دیگری موافق وی و حتا ادامه حیاتش نیست و بدان وسیله، تقریباً موفق شده بود وحدت تنظیمش را حفظ نماید. هر گاه به مشکلی برخورد می نمود، کسی را با دادن دختر و داماد خود ساختن به دور خود نگه می داشت آن دیگری را طی توطئه حذف فزیزی می نمود و کسانی را هم با اعطای پول و جایداد راضی نگه می داشت. نمونه دامادی "ضیاء مسعود" و کشتن "صفی الله"، "صوفی رسول" و ده ها تن دیگر همه دلیلی برای اثبات ادعایم می باشند.

۳- از آن جایی که این تنظیم و در کلیت آن تمام تنظیم های جهادی و منادی اسلام سیاسی، هدف شان از تجمع و به اصطلاح "جهاد" تأمین منافع فردی، خانوادگی، محلی و قومی بود و هیچ یک بدون استثناء به غرض خدمت به

افغانستان متشکل نشده بودند، مسلم است که وحدت و اتحاد آنها نیز می توانست و می تواند فقط تا زمانی ادامه یابد، که منافع فردی، خانوادگی، محلی و قومی افراد در آن محفوظ بماند، یعنی از یک سو خزانه ای از غیب وجود داشته باشد و از جانب دیگر فردی به مانند "برهان الدین ربانی" با باز گذاشتن درب خزانه، توأم با تفتین همه را سیر نگهدارد.

۴- مرگ "برهان الدین ربانی" از یک جانب، کم شدن خزانه غیب از دیگر سو و طمع روز افزون جانشینان "برهان الدین ربانی" از طرف دیگر، باعث شد که این خانه زنبور که هم ملکه شان را از دست داده بودند و هم صندوق های شان در مناطق خشکی گذاشته بود که چیز زیادی به مانند گذشته از آن حاصل نمی شد، صندوق ها را ترک نموده، هریک به سمتی به پرواز درآمده، ضمن صدای وزوز گوشخراش شان، هرجائی که امکان برای شان مساعد شده به امید شیرۀ گل، خون انسان درد مندی را بکنند.

۵- همین حالت موجب شده تا همین حالا، به ده ها تن از مواضع متضاد و متناقض با یک دیگر از آدرس "جمعیت اسلامی افغانستان" هر چه ار دهندش بیرون شد و هر کاری دلش خواست بگوید و انجام دهد، آخرش هم به نام جمعیت اسلامی تمام شود. مثلاً بخشی از جمعیت در کنار "غنی احمدزی" قرار می گیرد، در حالی که رهبر و رئیس فعلی آن یعنی "صلاح الدین ربانی" در کنار "عبدالله عبدالمود" ایستاده است. "عطا" شرکت در تظاهرات را خیانت دانسته از "غنی احمدزی" می خواهد تا مظاهره چپان را با شدن سرکوب نماید، "ضیاء مسعود" این موضعگیری را "قبیح" می داند و به همین سان در سایر موارد.

هموطنان گرامی!

در چنین حالتی هرگاه، "برهان الدین ربانی" نزد این افراد ارزشی دارد می باید به پاس "احترام" به وی، انحلال "جمعیت اسلامی افغانستان" را اعلام بدارند و به تمام افراد شان امکان و اجازه بدهند تا آن طوری که خود می خواهند در قبال فضایا موضع بگیرند. به نظر من ادامه چنین وضعیتی هر لحظه و هر آن، پاشیدن نجاست بر روی شخص "برهان الدین ربانی" می باشد.

**دیده شود چه می شود!!**